

معناکاوی رمزگان خطبه ۶۴ نهج البلاغه (بر اساس الگوی رمزگان رولان بارت)

رحمان نوازی^۱، گل افروز محبی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۳/۲۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵)

چکیده

نهج البلاغه به عنوان یک مرجع غنی دینی و اعتقادی حاوی آموزه‌های معرفتی جهت آزادی بشریت در طول تاریخ است. پژوهش حاضر با بررسی توصیفی تحلیلی و با مبنا قرار دادن متن خطبه ۶۴ نهج البلاغه از امام علی علیه السلام از رهگذر رویکرد رمزگان پنج‌گانه در پی شناسایی ساختار اولیه این اثر است تا از ورای آن، معانی ضمنی خطبه را مطابق با پیشرفت‌های جامعه انسانی بازنمایی نماید. نشانه‌شناسی ساختاری از جمله تحلیل‌هایی است که در قرن بیستم و در پی نشانه‌شناسی سوسوری به شکوفایی رسید. «رولان بارت» - نشانه‌شناس و منتقد ساختارگرایی فرانسوی - در پی نوعی استعدادیابی متن، شناسایی پروک‌های معنایی متن را پیشنهاد کرد. وی این دیدگاه را با معرفی الگوی رمزگان پنج‌گانه (رمزگان هرمنوتیک یا معنایی، رمزگان پروآپرتیک یا کنشی، رمزگان معنایی یا ضمنی، رمزگان نمادین یا تقابلی و رمزگان فرهنگی یا ارجاعی) ارائه داد. رولان بارت این نظریه را بر پایه هنجارمندی ساختار نشانه‌ای متن که عامل اصلی معناآفرینی است بیان کرد. دستاورد پژوهش گویای این مسأله است که این رویکرد می‌تواند ابزار مناسبی جهت رسیدن به لایه‌های معنایی متون دینی و تفسیر آن‌ها باشد. بر این اساس، رمزگان معنایی، معنای زندگی را در سراسر متن مطرح می‌کند و رمزگان کنشی نیز با وجوه فعل‌های کنشی و امری در سطح متن، استعداد فطری انسان در گرایش به نیکی‌ها را شکوفا می‌سازد. رمزگان ضمنی با کارکرد برجسته‌سازی و معناسازی در پی تقویت بینش بشری نسبت به علت بنیادین خلقت، ایفای نقش می‌کند و رمزگان نمادین نیز با تقابل خیر و شر، زیست مؤمنانه را جهت سعادت انسان پیشنهاد می‌دهد. رمزگان فرهنگی نیز نگرش ماورایی به زندگی را در قالب فلسفه خلقت نمایان می‌سازد.

کلید واژه‌ها: نشانه‌شناسی، رمزگان، رولان بارت، نهج البلاغه، خطبه ۶۴، امام علی علیه السلام.

۱. دکتری زبان و ادبیات عربی، استاد مدعو دانشگاه کاشان، کاشان، ایران؛ rahman.navazani13@gmail.com

۲. دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول)؛ Golafrooz4519908401@gmail.com

۱- بیان مساله

دنیای امروز مملو از نشانه‌ها و پیام‌های مختلف است، علم نشانه‌شناسی با درک عمیق نشانه‌ها، درک عمیق‌تری نسبت به مفاهیم خفته در متن ارائه می‌دهد. رمزگان که به آن سیستم نشانه‌ای نیز می‌گویند، زیرمجموعه‌ای از نشانه‌شناسی است که به مطالعه مجموعه‌های سازمان‌یافته از نشانه‌ها می‌پردازد. این مجموعه‌ها از قواعد و قوانین خاصی پیروی می‌کنند که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا معانی خاصی را به مخاطب منتقل کنند. به عبارت دیگر، رمزگان، سیستمی از نشانه‌ها است که در یک زمینه خاص، مانند زبان، فرهنگ یا فناوری، معنا دارند.

رولان بارت^۱، فیلسوف، منتقد ادبی و نشانه‌شناس برجسته فرانسوی، نشانه‌شناسی را به عنوان علمی مستقل برای مطالعه نشانه‌ها و نظام‌های دلالت‌مند معرفی کرد. او معتقد بود که نشانه‌ها صرفاً بازتاب واقعیت نیستند، بلکه معنای آن‌ها در نظام‌های فرهنگی و اجتماعی ساخته می‌شود. بارت یکی از مهم‌ترین نظریه‌هایش را در این زمینه با عنوان «رمزگان پنج‌گانه» ارائه کرد. این نظریه، ابزاری تحلیلی برای رمزگشایی و کشف لایه‌های پنهان معنا در متون به شمار می‌رود. نظریه رمزگان پنج‌گانه رولان بارت، متن را به عنوان نظامی از نشانه‌ها در نظر می‌گیرد که در سطوح مختلف با یکدیگر مرتبط شده‌اند و معنا را به وجود می‌آورند. بارت پنج نوع رمزگان را برای تحلیل متن در نظر می‌گیرد که در پنج سطح مختلف به کمک رمزگان هرمنوتیکی یا چیستانی، رمزگان پروآیرتیک یا کنشی، رمزگان معنایی، رمزگان نمادین و رمزگان فرهنگی واقع شده‌اند. بارت معتقد بود که این پنج رمزگان به طور همزمان در متن عمل می‌کنند و درک عمیق‌تر متن مستلزم بررسی هر یک از این رمزگان‌ها است.

خطبه ۶۴ نهج البلاغه با عنوان «المبادرة إلى صالح الأعمال»، ترجمه: «شتافتن به سوی

1. Roland Barthes.

اعمال پسندیده» از خطبه‌های آموزنده و اثرگذاری است که انسان را به تقوا و شتاب در انجام عمل صالح دعوت می‌کند. در این خطبه، توجه به مرگ به‌عنوان پایان فرصت‌های دنیا و آغاز موقعیتی دیگر به مخاطب گوشزد می‌شود و استفاده از فرصت‌های زندگی در جهت ارتقای اخلاق فردی و اجتماعی مورد توجه واقع می‌شود. در شرح‌های مختلف آمده که این خطبه مخاطبین خود را به معامله‌ای سودمند تحریض می‌کند که با زندگی زودگذر دنیوی، زندگی جاویدان اخروی را خریداری کنند. هشدار، نسبت به امر تسویف و بی‌توجهی به آن که از جانب شیطان است از موارد مهم مورد توجه این خطبه است. یکی دیگر از موارد مورد توجه در این خطبه، توشه تقوی، اخلاص و ایمان است که انسان باید از فرصت دنیا برای زندگی اخرت ببندد. این خطبه سرشار از رمزگانی است که به‌عنوان پلی در رسیدن پیام گوینده به مخاطب ایفای نقش می‌کند.

این خطبه به دلیل تنوع و غنای زبانی در حوزه نشانه‌شناسی، لایه‌های معنایی متعدد، ارجاعات تاریخی- فرهنگی، لحن احساسی و عاطفی و کاربرد کنایه و تشبیه از ظرفیت بالایی برای تحلیل با الگوهای رمزگان رولان بارت برخوردار است. با استفاده از این رمزگان‌ها، می‌توان به معانی ضمنی و ژرف‌ساخت متن پی برد و پیام امام علی علیه السلام را به طور عمیق‌تر درک کرد. براساس آنچه که از حضور نظام رمزگانی در این اثر گفته شد، پژوهش حاضر می‌کوشد، الگوی رمزگانی رولان بارت را در خوانش زیبایی‌شناسانه خطبه ۶۴ نهج البلاغه با روش توصیفی تحلیلی به‌کار گیرد. هدف از این پژوهش خوانش نشانه‌شناسی و معرفی الگوی رمزگانی رولان بارت، هم‌چنین تبیین روش نظام‌مند وی در باب تحلیل رمزگانی متون به مثابه درک جمع از متن است. کاربرد الگوی رمزگان رولان بارت در خوانش نشانه‌شناسی خطبه ۶۴ نهج البلاغه با هدف کشف لایه‌های مختلف معنایی؛ از جمله معنای ضمنی و پنهان خطبه و هم‌چنین درک عمیق‌تر پیام‌های امام علی علیه السلام در چارچوب فرهنگ و باورهای اسلامی بر ضرورت این پژوهش تأکید می‌کند. بدیهی است که فرضیه اساسی این پژوهش مبنی بر این است که الگوی رمزگان رولان بارت با

پیش‌کشیدن موضوع دلالت‌مندی بر آن است تا با واکاوی سیستم نشانه‌ای متن، صداهای نهفته در متن را بازشناساند و از منظر ساخت‌گرایی فراتر رفته و توانش نوشتار را کانون توجه قرار دهد. این جستار که با خوانش نشانه‌ای و زیبایی‌شناسانه اثر همراه است در پی دستاوردی نوین در راستای خوانش متون دینی است. نگارندگان در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر هستند:

۱. رمزگان معنایی و کنشی در خطبه ۶۴ نهج‌البلاغه چه معانی را به خواننده القا می‌نمایند؟
۲. با کاربست رمزگان ضمنی و تقابلی در خطبه ۶۴ نهج‌البلاغه چه مدلول‌ها، تضادها و تقابلهایی پیرامون آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی دیده می‌شود؟

۲- مقدمه

در این بخش، ابتدا، پیشینه‌ای از پژوهش‌های مرتبط با موضوع و سپس مفاهیم نظری پژوهش، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲. پیشینه پژوهش

از جمله مهم‌ترین پژوهش‌هایی که با موضوع نشانه‌شناسی نهج‌البلاغه صورت گرفته‌اند موارد زیر است:

- فهیمه قربانی (۱۴۰۰) در رساله دکتری خود با عنوان «بررسی نشانه‌شناسی اجتماعی شخصیت‌ها در نهج‌البلاغه براساس نظریه‌ی پی‌یر گیرو» به نقد نشانه‌شناسی از نهج‌البلاغه پرداخته است. مطابق با دستاوردهای این اثر، نشانه‌های هویت در نشانه‌شناسی اجتماعی، شامل: هویت دینی، سیاسی، تاریخی، اقتصادی، فرهنگی و... همراه با مؤلفه‌های لباس، نام و القاب، خوراک، شغل و مکان هستند.

- عباس اقبالی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «نشانه‌شناسی و تحلیل فرامتنی برخی از کنایات نهج‌البلاغه» به بررسی و تحلیل فرامتنی تعبیر کنایی «لَلَّهِ أَبُوهُمْ»، «هَبَلْتَهُمُ الْهَبُولُ» و

«تَكَلَّتْكَ أُمُّكَ» که در متون روایی و خطبه‌های نهج البلاغه پربسامدند، پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این قبیل تعبیرات، کنایاتی از نوع تعریض هستند و در اکثر موارد، معنای لفظی این عبارات که نفرین باشد مراد نیست بلکه اظهار شگفتی و البته گاهی نکوهش از مفاهیم نهفته این تعبیرات و مراد کاربر آن‌هاست.

- حسن گودرزی لمراسکی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان «تحلیل نشانه‌شناسی مفاهیم کلام امیرالمومنین علیه السلام در نهج البلاغه براساس نظریه دال و مدلول از دیدگاه پیرس (بررسی موردی خطبه‌های ۱۹۸-۱۸۶-۱۸۳-۱۷۶-۱۶۰)» به بررسی نشانه‌ای خطبه‌های یادشده می‌پردازند. این پژوهش، خطبه‌ها را در سطوح آوایی، واژگانی، نحوی و موسیقی درونی و بیرونی مورد کنکاش قرار داده است. حاصل نتایج این پژوهش نشان داده است که نشانه‌های موجود در این خطبه‌ها متناسب با معنا بوده و ساختارهای آوایی و ادبی آن، سبک کلام را متناسب با حال مخاطب و اهداف خاص خطبه‌ها قرارداده است.

- حمیدرضا اقدس‌طینت و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «تحلیل نشانه معناساختی خطبه شقشقیه و خطبه سیزدهم نهج البلاغه» به تحلیل دو خطبه نهج البلاغه؛ یعنی خطبه شقشقیه و خطبه سیزدهم که از متن‌های پربسامد در بافت امامی هستند با رویکرد نشانه-معناساختی پرداخته‌اند. این پژوهش کارآیی این رویکرد را در ارتباط با تحلیل متون اسلامی می‌آزماید و لایه‌های مختلف‌شناختی، حسی‌ادراکی، عاطفی و زیباشناختی این دو خطبه را به بحث می‌گذارد.

از کاوش‌های مذکور برمی‌آید؛ هر چند که تحلیل‌های نشانه‌ای در خصوص نهج البلاغه صورت گرفته است؛ ولی با وجود ویژگی‌های زبانی خطبه ۶۴، تاکنون هیچ پژوهنده‌ای به خوانش نشانه‌ای نظام رمزگانی نهج البلاغه و به‌ویژه تحلیل رمزگانی خطبه ۶۴ نهج البلاغه بر اساس رویکرد رمزگان رولان بارت و بازآفرینی آن نپرداخته است و این پژوهش در این عرصه، یک اثر تازه می‌باشد.

۲-۲. مفاهیم نظری پژوهش

در راستای تحلیل اثر ادبی و رسیدن به لایه معنای متن، بایسته است ابتدا به بیان مفاهیم اصلی ساختار نظریهٔ رمزگان پنج‌گانه رولان بارت پرداخته و آنگاه اثر ادبی مورد تحلیل قرار گیرد.

۲-۲-۱. رمزگان

اهمیتی که رولان بارت برای برداشت مخاطب از متن قائل می‌شود، مخاطب را از عنصری منفعل و صرفاً دریافت‌کننده خاج می‌کند و تولید معنای جدید را از خوانش هر خواننده حائز اهمیت می‌شناسد. استدلال رولان بارت این است که متن، پیکره‌ای آمیخته با رمزهای گوناگون است که هر یک چون صدایی از متن برمی‌آید و در برخی متن‌ها یک یا دو صدا غالب است. «رمزگان، نظامی از قوانین است که روابط بین دال و مدلول را در یک فرهنگ خاص تعیین می‌کند» (بارت، ۱۹۵۷a، ۵۷). این رمزگان، مجموعه قواعدی هستند که براساس آن، عناصری انتخاب می‌شوند که با دیگر عناصر ترکیب شده و عناصر جدیدی را می‌سازند (میرعمادی، ۷۳). در راستای بازشناسی این رمزگان، بارت معتقد است که: «نقد، فعالیتی است که رمزگان‌های پنهان در متن را آشکار می‌کند و به خواننده یا بیننده کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از متن پیدا کند» (بارت، ۱۹۵۷b، ۱۰۹). رولان بارت، حضور رمزگان که نظامی هدفمند از نشانه‌هاست را در بافت متن به پنج دسته کلی تقسیم می‌کند که بازیابی آن‌ها به نوعی به بازآفرینی متن می‌انجامد که نوعی حرکت از معنادگی به معنافزایی خواند.

از میان این رمزگان، دو مورد معمایی و کنشی به شیوه‌هایی مربوط می‌شوند که خود روایت از آن طریق آفریده می‌شود. سه رمزگان دیگر از مجموعه‌ی حوادث و منطق روایی این داستان فراتر می‌روند و به زنجیره‌های معنایی اشاره دارند (آلن، ۱۳۷-۱۳۶). نظریهٔ رمزگان پنج‌گانهٔ رولان بارت در پی نوعی ساخت‌گشایی است که در بخش بعدی پژوهش مطرح می‌شود.

۲-۲-۲. رمزگان پنج‌گانه رولان بارت

بازشناسی رمزهای نهفته در متن به نوعی بازتولید متن می‌انجامد که زبان گویای آن محسوب می‌شود و نیاز به حضور مؤلف را از بین می‌برد. رمزهای مختلف، راه‌های چندگانه برای خواندن یک متن محسوب می‌شوند. هر بار متنی خوانده می‌شود، متفاوت از خواندن قبل است و در بازخوانی آن نیز معنای دیگری حاصل می‌شود (بارت، ۱۹۷۰، ۱۴۳). تحلیل ساختاری رولان بارت به دنبال آن است تا از نظام‌های زیرینی که عامل معناسازی و معنازایی^۱ است، پرده بردارد (بارت، ۱۹۵۳، ۵۸). آغاز حرکتی که به آفرینش معنا توسط خواننده منتهی می‌شود و «راه‌های معنا را درنوردیده، روالی را مورد کاوش قرار می‌دهد که معنا از آن طریق درون متن پراکنده می‌شود» (آلن، ۱۳۹). در این بخش رموز پنج‌گانه رویکرد رولان بارت (مدل ۱) معرفی می‌شوند.



۱. مدل رمزگان پنج‌گانه رولان بارت

۲-۲-۲-۱. رمزگان هرمنوتیک یا معمایی

رمزگان هرمنوتیکی، همان معماهای متن است که با نوعی پنهان‌کاری جزئیات، تأثیر مکاشفه را افزایش می‌دهد. این نوع رمزگان را رمزگان چیستانی نیز می‌خوانند که می‌تواند گویای نام شخص، موقعیت مکانی و یا زمانی باشد. هر عنصری در متن توضیح داده نشده باشد به‌عنوان یک معما برای خواننده وجود دارد که نیاز به توضیح دارد و رمز هرمنوتیک به حساب می‌آید. هر متن می‌تواند یک معمای اصلی و تعدادی معمای فرعی داشته باشد.

1. Significance

«پرداختن به سؤال اصلی داستان و حرکت به سمت پاسخ دادن به این سؤال در لابه‌لای تعابیر و واژگان و... امری است که در رمزگان معمایی بدان پرداخته می‌شود» (بارت، ۱۹۷۰، ۱۷). هدف این نوع از رمزگان آن است که گویای پاسخی برای چرایی، چگونگی و چه چیزی و... در چیدمان واژگان متن باشد تا با ایجاد فرصت تأمل در ذهن مخاطب و مشارکت وی در تأویل، نوعی خوانش فعال را ایجاد کند.

۲-۲-۲-۲. رمزگان پروآیرتیک یا کنشی

رمزگان پروآیرتیک، گویای کنش‌ها و اثرات آن‌ها می‌باشند که ضمن بررسی واحدهای ساختاری متن «عامل ایجاد کنش در آن هستند» (۱۷). این رمزگان که به مقوله کنش و اثر آن در بافت متنی می‌پردازد، رمزگان کنشی نیز خوانده می‌شود که نقش نوعی راوی‌گری را در متن ایفا می‌کند. «رمزگان کنشی... وظیفه‌اش سازماندهی رویدادها در توالی زمانی است به طوری که خواننده بتواند داستان را دنبال کند و معنای آن‌را درک کند» (بارت، ۱۹۷۴، ۵۴). چینش صحنه‌های روایی این رمزگان در طول ساختار متن، مانند یک فیلم با صحنه‌های گوناگون است که مخاطب در ذهن خویش به آن می‌رسد.

۲-۲-۲-۳. رمزگان معنایی

رمزگان معنایی، از لایه‌های رویین عبور کرده و نظر به لایه‌های زیرین دارد که دلالت ضمنی نیز خوانده می‌شود. «معنای ضمنی، معنای دوم است که به طور طبیعی از معنای اول، معنای لغوی، ناشی می‌شود» (بارت، ۱۹۵۷a، ۱۴). این رمزگان دربرگیرنده معنای ضمنی با دلالت‌های خاص است که گاه از واژگان، تعابیر و جملات برداشت می‌شود. این دال‌ها که در راستای عمق‌بخشی بافت، به صورت غیر صریح بر مقصود نویسنده دلالت دارند. «رمزگان ضمنی، ابزاری برای لذت‌بردن از متن است. خواننده یا بیننده با رمزگشایی از لایه‌های معنایی ضمنی متن به لذتی عمیق و پایدار دست پیدا می‌کند» (بارت، ۱۹۷۳،

۱۴). رمزگان معنایی، خصوصیات کنش‌ها یا رمزگان را بیان می‌کند و گویای نوعی بینامتنیت است که نظام معنایی را بازسازی می‌کند.

۲-۲-۲-۴. رمزگان نمادین

تضاد در همه‌ی عرصه‌ها با رویکرد دوگانگی به نوعی تبیین می‌انجامد. این تقابل و تضادها در متن همان رمزگان نمادین هستند. «رمزگان نمادین سیستمی از تقابلات دوتایی است که امکان فصل‌بندی دلالت‌های رمزگان دلالتی را فراهم می‌کند» (بارت، ۱۹۷۴، ۵۶). کاربست بالا و پایین یا کم و زیاد در متن توسط نویسنده، کاربست رمزگان نمادین است که با ایجاد نوعی بزرگ‌نمایی گویای زوایایی از ذهن اوست که به تقابل معنایی کوچک در برابر بزرگ، سفید در برابر سیاه، مفرد در برابر جمع و... می‌پردازد. در این نوع رمزگان «ما به دنبال نمادهایی هستیم که نویسنده به‌کار برده‌است» (بارت، ۱۹۷۰، ۱۷). این رمزگان، الگوی برجسته‌سازی در متون هستند.

۲-۲-۲-۵. رمزگان فرهنگی

هر پدیده که به علم یا مجموعه‌ای از دانش برگردد رمزگان فرهنگی است. رمزگان فرهنگی «به بازگشایی دلالت‌های فرهنگی می‌پردازد که بیان‌گر نوعی شناخت کلی از فضای فرهنگی و ایدئولوژیکی داستان (متن) است» (۱۸). رمزگان فرهنگی را رمزگان ارجاعی نیز می‌شناسند؛ چون نشانه‌های متنی را به فضای بیرون متن ارجاع می‌دهند. می‌توان گفت: «این رمزگان به دنبال یافتن معنای کلی متن و انسجام درونی آن است» (بارت، ۱۹۷۴، ۵۴). نمادهای دینی و ضرب‌المثل‌ها از واضح‌ترین نمادهای فرهنگی به‌شمار می‌روند. این نوع رمزگان، کلیت اثر را دربرمی‌گیرند؛ بنابراین چهار رمزگان دیگر به‌نوعی از رمزگان فرهنگی متأثر می‌شوند. رمزگان فرهنگی را در بافت فرهنگی اجتماعی باید جستجو نمود.

۲-۳. متن خطبه ۶۴ نهج البلاغه

«ومن خطبة له (عليه السلام) في المبادرة إلى صالح الأعمال:

فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَبَادِرُوا آجَالَكُمْ بِأَعْمَالِكُمْ وَابْتَاعُوا مَا بَيَّعِي لَكُمْ بِمَا يَزُولُ عَنْكُمْ وَتَرَخَلُوا
فَقَدْ جَدَّ بِكُمْ وَاسْتَعِدُّوا لِلْمَوْتِ فَقَدْ أَظْلَكُمْ وَكُونُوا قَوْمًا صِيحَ بِهِمْ فَاثْتَبَهُوا وَعَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ
لَهُمْ بَدَارٌ فَاسْتَبِدُّوا فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا وَلَمْ يَتْرُكْكُمْ سُدًى.

وَمَا بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ أَوْ النَّارِ إِلَّا الْمَوْتُ أَنْ يَنْزِلَ بِهِ وَإِنَّ غَايَةَ تَقْصُّهَا اللَّحْظَةُ وَتَهْدِمُهَا
السَّاعَةُ لِجَدِيرَةٍ بِقِصْرِ الْمُدَّةِ وَإِنَّ غَايَةَ يَحْدُوهُ الْجَدِيدَانِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ لِحَرِيٍّ بِسُرْعَةِ الْأَوْبَةِ وَإِنْ قَادِمًا
يَقْدُمُ بِالْفَوْزِ أَوْ الشَّقْوَةِ لِمُسْتَحِقٍّ لِأَفْضَلِ الْعُدَّةِ فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا.
فَاتَّقَى عَبْدٌ رَبَّهُ نَصَحَ نَفْسَهُ وَقَدَّمَ تَوْبَتَهُ وَعَلَبَ شَهْوَتَهُ فَإِنَّ أَجَلَهُ مَسْتُورٌ عَنْهُ وَأَمَلَهُ خَادِعٌ لَهُ
وَالشَّيْطَانُ مُوَكَّلٌ بِهِ يُزَيِّنُ لَهُ الْمُعْصِيَةَ لِيُرْكَبَهَا وَيُمْنِيهِ التَّوْبَةَ لِيُسَوِّقَهَا إِذَا هَجَمَتْ مَبِيَّتُهُ عَلَيْهِ أَغْفَلَ مَا
يَكُونُ عَنْهَا فَيَا لَهَا حَسْرَةً عَلَى كُلِّ ذِي عَقْلٍ أَنْ يَكُونَ عُمُرُهُ عَلَيْهِ حُجَّةً وَأَنْ تُؤَدِّيَهُ أَيَّامُهُ إِلَى الشَّقْوَةِ.
نَسَأَلُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَنْ يَجْعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِمَّنْ لَّا تُبْطِرُهُ نِعْمَةٌ وَلَا تَقْصُرُ بِهِ عَنِ طَاعَةِ رَبِّهِ غَايَةً وَلَا تَحُلُّ بِهِ
بَعْدَ الْمَوْتِ نَدَامَةً وَلَا كَابَةً» (سیدرضی، خطبه ۶۴).

ترجمه: شتافتن به سوی اعمال پسندیده:

ای بندگان خدا! از خدا بپرهیزید و با اعمال نیکو به استقبال أجل بروید. با چیزهای
فانی شدنی دنیا آن چه که جاویدان می ماند را خریداری کنید. از دنیا کوچ کنید که برای
کوچ دادنتان تلاش می کنند. آماده مرگ باشید که بر شما سایه افکنده است. چون مردمی
باشید که بر آن ها بانگ زدند و بیدار شدند و دانستند دنیا خانه جاویدان نیست و آن را با
آخرت مبادله کردند. خدای سبحان شما را بیهوده نیافرید و به حال خود وا نگذاشت.

میان شما تا بهشت یا دوزخ، فاصله اندکی جز رسیدن مرگ نیست. زندگی کوتاهی که
گذشتن لحظه ها از آن می کاهد و مرگ آن را نابود می کند، سزاوار است که کوتاه مدّت
باشد. زندگی که شب و روز آن را به پیش می راند به زودی پایان خواهد گرفت. مسافری که
سعادت یا شقاوت همراه می برد باید بهترین توشه را با خود بردارد. از این خانه دنیا، زاد و
توشه بردارید که فردای رستاخیز نگهبانتان باشد.

بنده خدا، باید از پروردگار خود بپرهیزد، خود را پند دهد و توبه را پیش فرستد و بر شهوات غلبه کند؛ زیرا مرگ او پنهان و پوشیده است و آرزوها فریبنده‌اند و شیطان، همواره با اوست و گناهان را زینت و جلوه می‌دهد تا بر او تسلط یابد، انسان را در انتظار توبه نگه می‌دارد که آن را تأخیر اندازد و تا زمان فرارسیدن مرگ از آن غفلت نماید. وای بر غفلت- زده‌ای که عمرش بر ضد او گواهی دهد و روزگار او را به شقاوت و پستی کشاند. از خدا می‌خواهیم که ما و شما را در برابر نعمت‌ها مغرور نسازد و چیزی ما را از اطاعت پروردگار باز ندارد و پس از فرا رسیدن مرگ دچار پشیمانی و اندوه نگرداند.

۳- رمزگان خطبه ۶۴ و بررسی آنها

یکی از مهم‌ترین خطبه‌های نهج البلاغه با رویکرد اجتماعی و اخلاقی، خطبه ۶۴ است که امام علی علیه السلام این خطبه را در سال ۳۸ هجری پس از پایان جنگ صفین در مسجد کوفه ایراد نموده‌اند. این خطبه که مشتمل بر پند و اندرزهایی؛ مانند پرهیز از دنیاپرستی و آمادگی جهت سفر ابدی آخرت است و توجه به هدف از آفرینش، برخوردار از نمادها و رمزگان متعددی است. در ادامه با بررسی این رمزگان بر اساس نظریه رمزگان پنج‌گانه رولان بارت به واکاوی و بازتولید معانی این خطبه پرداخته می‌شود تا از ورای بازگشایی رمزگان، دلالت‌های نشانه‌ای آن آشکار شود.

۳-۱. رمزگان ضمنی خطبه

در میان پنج نوع رمزگانی که رولان بارت معرفی می‌کند، رمزگان ضمنی یا معنایی که جایگاهی ویژه دارد. تا جایی که گفته می‌شود: «هنر و ادبیات به آن دسته از پیام‌ها متعلق هستند که در آنها، نقش مسلط را دلالت‌های ضمنی ایفا می‌کنند» (گیرو، ۴۷). کاربرد این رمزگان، شیوه‌ای است که مخاطبان، معناها را براساس نظامی از نمادها و نشانه‌ها استنتاج می‌کنند (سجودی، ۱۵۵). وجوه بیانی کنایه، استعاره و تشبیه در قالب رمزگان ضمنی واقع می‌شوند. برخی رمزگان ضمنی در متن خطبه عبارتند از:

خواننده در آغاز خطبه با واحد معنایی «بَادِرُوا»، ترجمه: «بشتابید» روبرو می‌شود. «المبادرة» کارکرد کنایی دارد و به معنی شتاب‌کردن و پیش‌قدم شدن است. وقتی که شخصی می‌گوید: من این کار را انجام خواهم داد، کنایه از ادامه‌دادن و پافشاری بر انجام کاری است (البحرانی، ۱۶۲/۲). کنایه از رایج‌ترین ابزارهای بلاغی است که به صورت ویژه در متون ادبی کاربرد دارد و اغلب با هدف آثار تعلیمی آن استفاده می‌شود. این وجه بلاغی، می‌تواند لحن متن را تقویت کند و آن را تأثیرگذارتر کند و به واسطه ماهیت غیرمستقیم خود، ابهام و چندمعنایی را در متن ایجاد می‌کند. این امر خواننده را به تأمل و تفکر بیش‌تر در مورد معنای متن ترغیب می‌کند و به کشف معانی ضمنی و پنهان در آن می‌رسد. بار معنایی شتاب‌کردن که در آغاز متن آمده است نوعی شروع پرهیجان را برای خواننده به همراه دارد و اثرپذیری از این واحد معنایی را افزون می‌کند و این فرآیند، خواننده را به ادامه متن ترغیب می‌کند.

نمونه‌ای دیگر از رمزگان ضمنی که در متن خطبه قابل مشاهده است در عبارت «وَأَسْتَعِدُّوا لِلْمَوْتِ فَقَدْ أَظْلَكُمُ» (سیدرضی، خطبه ۶۴)، ترجمه: «آماده مرگ باشید که بر شما سایه افکنده است» آمده است. «عبارت «فقد أظلكم» به این معنا که مرگ بر شما سایه افکنده است، استعاره از نزدیکی مرگ است» (البحرانی، ۱۶۳/۲). این جمله نیز به مخاطب گوشزد می‌کند که مرگ اجتناب‌ناپذیر است و باید برای آن آماده شود. از آن‌جا که سایه هر چیزی نزدیک‌ترین موقعیت را به او داراست؛ لذا متن به خواننده نزدیکی پدیده مرگ را القا می‌کند تا با درک این مسأله بیش‌تر به اهمیت زمان، پی‌برد.

در متن خطبه، یکی از واحدهای معنایی پرتکرار «زمان» است که به وجوه مختلفی پردازش شده است. واحدهای معنایی، کوچک‌ترین واحدهای معنایی در متن هستند که می‌توان آن‌ها را جدا کرد و مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. گوینده با به‌کار بردن واحدهایی چون «لحظة» و «ساعة» با رویکرد استعاری، خواننده را بار دیگر به اهمیت این نعمت باارزش و کوتاهی عمر گوشزد می‌کند. گوینده با عبارت «إِنَّ غَايِبًا يَحْدُوهُ الْجَدِيدَانِ اللَّيْلُ

وَالنَّهَارُ لَحَرِيٌّ بِسُرْعَةِ الْأَوْبَةِ وَإِنْ قَادِمًا يَقْدُمُ بِالْفَوْزِ أَوْ الشَّقْوَةِ...» (سیدرضی، خطبه ۶۴)، ترجمه: «زندگی که شب و روز آن را به پیش می‌راند به زودی پایان خواهد گرفت. مسافری که سعادت یا شقاوت همراه می‌برد...»، «زندگی» را به مسافری که شب و روز در حال حرکت به سوی آخرت است تشبیه می‌کند. گوینده با تشبیه زندگی به غایبی که شب و روز به سوی او می‌شتابند و مسافری که به سوی مقصدی نامعلوم رهسپار است بر سرعت گذر زمان و ضرورت آمادگی برای آخرت تاکید می‌کند. کشف ارتباط سازه‌های معنایی تشبیه در همراه ساختن خواننده با متن مؤثر است. متن با تناظر زندگی و سفر، گردشی محدود و کوتاه‌مدت را برای خواننده تداعی می‌کند تا او را غنیمت دانستن اوقات زندگی دعوت کند. در ادامه خوانش، خواننده بار دیگر با فرآیند استعاره در عبارت «فتزودوا» رویرو می‌شود که زاد و توشه را برایش برجسته‌سازی می‌کند. جمله «فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا» (همانجا)، ترجمه: «از این خانه دنیا زاد و توشه بردارید که فردای رستاخیز نگهبانتان باشد»، یک جمله تشبیهی است که گوینده خطبه به‌طور مفصل بهترین نوع توشه را برای مخاطبش شرح می‌دهد که همان زادی است که انسان با آن خود را در روز قیامت از سقوط در آتش جهنم و حرارت سوزان آن نجات می‌بخشد و با این تشبیه، تقوا و خشیت از خدا را به عنوان همان زاد معرفی می‌کند. «وجه تشبیه به‌کاربردن استعاره «زاد» در این جا، شباهتی است که بین زاد محسوس و تقوا از نظر سالم نگه‌داشتن مسافر در مسیرشان وجود دارد. زاد محسوس، انسان را از عذاب گرسنگی و تشنگی محسوس در منازل محسوس نجات می‌دهد و تقوا انسان را از عذاب گرسنگی معقول در منازل معقول و مراتب سلوک و مراحل سفر به سوی خداوند متعال نجات می‌دهد» (البحرانی، ج ۲، ۱۶۵).

یکی دیگر از رمزگان‌های ضمنی در جمله «فَاتَّقَى عَبْدٌ رَبَّهُ» آمده است. حرف «فاء» یک واحد معنایی محسوب می‌شود که دلالت بر انگیزه‌بخشی دارد؛ زیرا «این حرف برای بیان ماهیت امری است که انسان با آن نفس خود را برمی‌انگیزد، گویی می‌گوییم: فلان شخص امروز کارهای زیبایی انجام داد و درباره فلان شخص، چنین و چنان کرد» (ابن‌ابی

الحدید، ج ۱، ۲۰۶). به کمک این واحد معنایی، فضای انگیزشی بر متن حاکم می‌شود و گوینده با این شیوه بیانی، مخاطب را با خود همراه می‌کند.

در ادامه متن، خواننده بار دیگر با مصادیقی از زبان غیرمستقیم کنایه مواجه می‌شود تا فعالانه به خوانش متن بپردازد. در عبارت «فَيَا لَهَا حَسْرَةً عَلَيَّ كُلِّ ذِي عَقْلَةٍ» (سیدرضی، خطبه ۶۴)، ترجمه: «ای وای و حسرت بر هر غفلت‌زده‌ای»، «حسرت خوردن» کنایه از «پشیمانی» است. «ابن ابی الحدید المعتزلی» در کتاب «تهذیب شرح نهج البلاغه» ذکر کرده است که: ««فيا لها حسرة» می‌تواند ندای حسرت باشد و فتحه لام بر اصل ندای مدعو باشد؛ مانند این که بگویی: «يا للرجال» (ابن ابی الحدید، ۲۰۶/۱).

این پیام‌ها، پیام‌هایی اخلاقی و معنوی هستند که در طول تاریخ بشر بارها و بارها تکرار شده‌اند؛ اما استفاده از رمزگان معنایی در این متن به این پیام‌ها عمق و غنای خاصی می‌بخشد و آن‌ها را به شکلی جذاب و تأثیرگذار به مخاطب منتقل می‌کند. استعاره و تشبیه با ایجاد تصاویر ذهنی در ذهن خواننده، مفاهیم را ملموس‌تر کرده و کنایه با استفاده از زبان غیرمستقیم به خواننده، فرصت تفکر و تأمل بیش‌تر می‌دهد.

۲-۳. رمزگان فرهنگی خطبه

رمزگان فرهنگی یکی دیگر از مفاهیم کلیدی در نظریه ادبی رولان بارت است. رمزگان فرهنگی جلوه بارز خود را در یک آوای جمعی و بی‌نام که در تجربه سنتی آدمی ریشه دارد، می‌یابد (پین، ۱۲۰). بنابر دیدگاه رولان بارت همه رمزگان‌ها از یک نظر، فرهنگی به شمار می‌روند؛ اما رولان بارت به‌طور خاص رمزهایی که در قالب مرجعیت علمی یا اخلاقی قرار می‌گیرند را فرهنگی بر می‌شمارد. درک رمزگان فرهنگی برای تفسیر متون و درک فرهنگ‌های مختلف ضروری است.

عبارت «فَاتَّقُوا اللَّهَ» یکی از رمزگان فرهنگی متن خطبه ۶۴ نهج البلاغه است که دوبار در متن، تکرار شده است. تقوای الهی از جمله مفاهیم برخاسته از متون دینی است که از

نظر فرهنگی بسیار تأثیرگذار است. این عبارت به دلیل سادگی، صراحت و عمق معنایی خود در طول تاریخ اسلام توسط مسلمانان در موقعیت‌های مختلف به کار رفته است. خواننده در طول خوانش متن خطبه با شناسایی یکی دیگر از رمزگان فرهنگی به فهم عمیق‌تری از متن دست می‌یابد. عبارت «وَمَا بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ أَوْ النَّارِ إِلَّا الْمَوْتُ» (سیدرضی، خطبه ۶۴)، ترجمه: «میان شما تا بهشت یا دوزخ، فاصله اندکی جز رسیدن مرگ نیست» حاوی رمزهای ایدئولوژیکی «بهشت و جهنم» است که در بستر دینی معنا می‌یابند؛ اما «مرگ» پدیده‌ای ملموس برای همه جوامع بشری است. رمزگانی مانند دنیا و مرگ برای فطرت همه بشریت قابل درک است «برخی نمادها جهانی‌اند، مثل دریا یا خورشید و...» (ریسمن و همکاران، ۱۲۷). مرگ، نماد اتمام فرصت زندگی در دنیا است. معنای نماد هم معنای حقیقی است و هم مجازی و از متن به بیرون و به سوی بسترهای فرهنگی و هنری، دست می‌یازد (همان، ۱۲۶). لذا مخاطب این رمزگان می‌تواند همه انسان‌ها باشد.

«توبه» در عبارت «قَدَّمَ تَوْبَتَهُ» یکی دیگر از رمزهای فرهنگی به کاررفته در متن خطبه است که به عنوان نمونه‌ای از عمل یک بنده پرهیزگار ذکر شده است. این بنده که تقوا پیشه کرده و در برابر پروردگار خود پرهیزگار است در انجام اعمال نیکو شتاب می‌ورزد و از غفلت از آخرت پرهیز می‌کند. یکی از اعمال نیکوی این بنده، توبه از گناهان خود است. او توبه خود را پیش می‌اندازد و در آن تعلل نمی‌کند؛ زیرا می‌داند که خداوند توبه‌کنندگان را می‌بخشد و به سوی آن‌ها باز می‌گردد. این رمزگان فرهنگی، مخاطب را به سعادت ابدی رهنمون می‌سازد.

در واقع، این خطبه بر ارزش‌هایی مانند تقوا، پرهیزگاری، انجام اعمال نیکو و آمادگی برای مرگ و آخرت تأکید می‌کند و بر باورهایی مانند وجود آخرت، حساب و کتاب اعمال و پاداش و جزای الهی استوار است. خواننده با خوانش این رمزگان درمی‌یابد که هنجارهایی مانند شتاب در انجام اعمال نیکو، پرهیز از غفلت و تفکر در مرگ و آخرت را

مورد توجه قرار دهد. تأکید بر آخرت‌گرایی و پرهیز از دنیاگرایی از جمله هنجارهای بارز در این خطبه هستند.

۳-۳. رمزگان نمادین خطبه

تضادها و تقابلهای بین دو یا چند عنصر در متن می‌توانند رمزگان نمادین یا تقابلی آن باشند. رمزگان تقابلی بر واحدهای بزرگ‌تر معنایی در متن تمرکز دارد و به دنبال کشف روابط بین این واحدها و چگونگی ایجاد معنا از طریق این روابط است. «این رمزگان به بررسی تضادها و تقابلهای دوتایی در متن می‌پردازد و به این سوال پاسخ می‌دهد که متن چه چیزی را نمادپردازی می‌کند؟» (بارت، ۴۴). رمزگان نمادین به مخاطب کمک می‌کند تا تناقضات، تضادها و تضادهای موجود در متن را کشف کند.

یکی از رمزگان نمادین در این متن، تقابل دنیا و آخرت است. هر کدام از این رمزگان، نظام ارزشی، باورها و رفتارهای خاص خود را به انسان ارائه می‌دهند و او را به سوی مقصدی متفاوت رهنمون می‌شوند. در این متن، دنیا به عنوان مکانی فانی و زودگذر توصیف می‌شود که انسان در آن غرق در شهوات و لذات زودگذر است. دنیا فرصتی برای انسان است تا با انتخاب‌های خود، مسیر آخرت خود را رقم بزند. در مقابل، آخرت به عنوان مکانی ابدی و پایدار توصیف می‌شود که سرنوشت نهایی انسان در آن‌جا رقم خواهد خورد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ارفض الدنيا فان حب الدنيا يعمى ويصم ويبكم ويذل الرقاب» (کلینی، ۱۳۶/۲)، ترجمه: «دنیاپرستی را ترک کن؛ چرا که دنیاپرستی چشم را کور و گوش را کر و زبان را لال می‌کند و گردن‌ها را به ذلت می‌کشاند». در این متن با تبعیت از رمزگان آخرت، می‌توان از ظواهر فریبنده دنیا عبور کرد و به سعادت ابدی در آخرت دست یافت.

تقابل زندگی و مرگ، رمزگان نمادین دیگر متن خطبه می‌باشد. زندگی در این متن به عنوان فرصتی کوتاه و ارزشمند برای عبادت خدا و انجام اعمال نیکو تلقی می‌شود و مرگ در مقابل به عنوان پایانی ناگزیر برای همه انسان‌ها و لحظه‌ای تعیین‌کننده برای

سرنوشت ابدی آن‌ها توصیف می‌شود. انسان از دیرباز در جستجوی معنا و مفهوم زندگی و مرگ بوده است. این دو رمزگان اساسی، تار و پود هستی را تشکیل می‌دهند و در تقابل با یکدیگر، رازهای عمیقی از هستی را آشکار می‌کنند. با وجود تضاد، زندگی و مرگ به طور عمیقی به یکدیگر وابسته هستند. مرگ، معنا و ارزش زندگی را آشکار می‌کند و زندگی، فرصتی برای آماده‌شدن برای مرگ فراهم می‌کند.

یکی دیگر از رمزگان‌های تقابلی مشهود در متن خطبه، تضاد غفلت و آگاهی است. متن خطبه، غفلت را غرق‌شدن در دنیا و فراموش‌کردن آخرت و یکی از گناهان کبیره معرفی می‌کند و آگاهی یعنی بیداری از غفلت و توجه به آخرت، اولین قدم برای نجات انسان از عذاب الهی دانسته شده است. غفلت، حالتی است که در آن فرد از حقیقت و واقعیت غافل است و در تاریکی جهل و ناآگاهی به سر می‌برد. این حالت می‌تواند ناشی از عوامل متعددی مانند وابستگی به نفس، غرق‌شدن در دنیا و عدم توجه به معنای عمیق زندگی باشد و آگاهی در تضاد با آن، حالتی است که فرد به حقیقت و واقعیت اشراف دارد و از ماهیت خود و جهان پیرامونش آگاه است. درک عمیق تقابل رمزگان غفلت و آگاهی می‌تواند به انسان در مسیر خودشناسی و کمال‌یاری رساند. با رهایی از غفلت و رسیدن به آگاهی، انسان می‌تواند به حقیقت وجود خود و جهان پیرامونش پی ببرد و زندگی معنادارتر و سعادت‌مندانه‌ای را تجربه کند.

متن در ادامه، تقابل ایمان و کفر را با کمک رمزگان نمادین، پیش روی مخاطب قرار می‌دهد. ایمان در اندیشه دینی از مفاهیم بنیادی است و یکی از بالاترین ارزش‌ها به حساب می‌آید. در متن خطبه، ایمان به خدا و اطاعت از او امر او، به‌عنوان کلید رستگاری و سعادت ابدی معرفی شده است. هم‌چنین کفر به خدا و عصیان در برابر او امر او، منجر به عذاب ابدی در جهنم خواهد شد. در این تقابل، دو نظام معنایی و رمزگان مجزا شکل می‌گیرد که هر کدام بر جهان‌بینی، ارزش‌ها و رفتارهای پیروان خود اثر می‌گذارند. رمزگان ایمان بر پایه توحید، باور به غیب، اطاعت از خداوند و پیامبران و امید به رستگاری استوار

است. در مقابل، رمزگان کفر بر پایه انکار حقایق الهی، اصالت ماده، خودخواهی و لذت‌گرایی بنا شده‌است. این دو عنصر در سطوح مختلف بشری تأثیرگذارند. در سطح فردی، ایمان و کفر بر اندیشه‌ها، احساسات و رفتارهای افراد اثر می‌گذارند و در سطح اجتماعی، ایمان و کفر می‌توانند منجر به تشکیل جوامع متفاوتی شوند. این تضادها به خواننده کمک می‌کنند تا به‌طور واضح و ملموس، تفاوت بین خیر و شر، دنیا و آخرت، زندگی و مرگ، غفلت و آگاهی، ایمان و کفر را درک کند.

۳-۴. رمزگان هرمنوتیکی خطبه

رمزگان هرمنوتیکی به واحدهای معنایی در متن اشاره دارد که پرسش‌ها، پاسخ‌ها، معماها و تعلیق‌ها را ایجاد می‌کنند. «این رمزگان به بررسی معماها، تناقضات و ابهامات متن می‌پردازد» (بارت، ۱۳۵۶، ۴۳). این رمزگان، خواننده را به تأویل و تفسیر متن تشویق می‌کند. گوینده خطبه در آغاز کلام به مخاطبین امر می‌کند که با اختیار خویش و با شوق و رغبت به استقبال مرگ بروند. استفاده از اسلوب امر در عبارت «بَادِرُوا آجَالَكُمْ» (سیدرضی، خطبه ۶۴). ترجمه: «به استقبال مرگ بروید» از نوعی قطعیت و اطمینان از سوی گوینده و نوعی التزام از سوی مخاطب خبر می‌دهد و حس فوریت و ضرورت را القا می‌کند. «فعل امر از نظر معنایی با فعل‌های التزامی و دعایی هم‌پوشانی دارد، اما از نظر لحنی، قاطع‌تر و حتمی‌تر است» (صباحی، ۱۸۵). این رویکرد زبانی موجب تمرکز مخاطب بر مفهوم قطعیت متن می‌شود و این معما را در ذهن او متبادر می‌کند که این مرگ چیست و چگونه باید مشتاقانه به استقبالش رفت؟ از سوی دیگر وقتی گوینده موضوعی کلی با عنوان «مرگ» را بدون پرداختن به مفهوم تفصیلی آن برای مخاطب بیان می‌کند در واقع ذهنیت خواننده را در پی یافتن مفاهیم و چیستی‌های مسأله «مرگ» منسجم می‌سازد. از این رو تحلیل عبارت «بَادِرُوا آجَالَكُمْ» با استفاده از مؤلفه‌های رمزگان هرمنوتیکی بارت، نشان می‌دهد که این جمله دارای معانی و لایه‌های مختلفی است. به عنوان مثال با توجه به

معنای واژه «أَجَالَ» که دارای مفهوم زمان و مدت هر پدیده است (لسان‌العرب، ج ۱۱، ۱۱)، مسأله مرگ و زمان در ذهن مخاطب کنش‌هایی شناختی ایجاد می‌کند. توجه به معنای فعل امر «بَادِرُوا» نیز که دارای مفهوم بَادِرُوا: سبقت بگیریید از ریشه «بدر» به معنای شتافتن (راغب اصفهانی، ۳۸/۱) است، ذهنیت خواننده را در رابطه با معمای اشتیاق و مرگ، درگیر مسائل شناختی مرتبط با آن می‌کند. به طور کلی دلالت این رمز زمینه‌ای برای دریافت ایدئولوژی‌های شناختی توسط خواننده می‌شود، گرچه معنای نهایی این جمله به خواننده و زمینه‌های دریافتی او بستگی دارد.

در این خطبه، رمزگان هرمنوتیکی با شگرد کانونی‌سازی تلفیق یافته است و پرسش‌گری را در ذهن مخاطب فعال‌تر نموده است تا موجب انقلاب فکری مخاطب شود؛ گوینده در این عبارت به کسانی که سرگرم مظاهر دنیوی هستند و از آخرت غفلت دارند می‌گوید: «فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا وَلَمْ يَتْرُكْكُمْ سُدىً» (سیدرضی، خطبه ۶۴). ترجمه: «خدای سبحان شما را بیهوده نیافرید و به حال خود وا نگذاشت». گوینده، مخاطب را به فلسفه خلقت متوجه می‌سازد و با به‌کارگیری واژه «عبثاً» به او گوشزد می‌کند که هدف از خلقت او بیهوده نیست. «عبث به مفهوم پوچی است مانند کسی که او را با اسباب‌بازی سرگرم می‌کنند (راغب، ۵۴۳). وقتی مخاطب در مقابل انشاء این مفهوم عمیق قرار می‌گیرد، معمایی در ذهن او تشکیل می‌شود که اگر هدف از خلقت بیهودگی نیست، پس چه اهدافی برای خلقت، وجود دارد؟

در عبارت یادشده، کلمه «الله» نیز با عوامل متعددی از جمله: «جمله اسمیه، اِنَّ از حروف تأکید، ال تعریف، صفت سبحان، هاء ضمیر» (ابن هشام، ج ۱، ۳۲۴) مورد تأکید واقع شده است. می‌توان گفت: اثرگذاری از آثار مهم ادوات تأکید است و علاوه بر حالت تأثیرپذیری، این حالت، نوعی تعلیق و کنجکاوی را نیز در مخاطب به وجود می‌آورد. امام علی علیه السلام در آغاز عبارت با آوردن صفت «سبحان» برای خداوند و پس از آن ذکر واژه «عبثاً»، گویا چنین می‌گوید که: منزّه است خدا که شما را عبث خلق کرده باشد. در واقع

این ترتیب کلام، تاکید بر روی منزّه بودن خدا از کار بیهوده است. این عبارت خطبه در بینامتنیت با دو آیه از کتاب مقدس قرآن کریم؛ یعنی: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى» (القيامة، ۳۶)، ترجمه: «آیا انسان می پندارد که او را مهمل رها کرده اند؟» (تفسیر المیزان، ۱۷۲) و «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (المؤمنون، ۱۱۵)، ترجمه: «آیا چنین پنداشتید که ما شما را به عبث و بازیچه آفریده‌ایم و هرگز به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟!» از متن فراتر رفته و رمزهای ذهن مخاطب را فعال می‌کند. ذهن مخاطب خطبه که با آیات قرآن آشناست با این بینامتنیت، نوعی اصالت و استحکام فضای متن را درمی‌یابد که گوینده از آن جهت بالابردن سطح فاکتور تأثیر بر مخاطب، بهره برده است. گوینده در آغاز خطبه با پیش‌کشیدن موضوع مرگ، شالوده ذهنی مخاطب را به انتهای فرصت زندگی معطوف می‌کند و در پی آن با سخن گفتن از زندگی و عبارتهایی منسجم و هدف‌مند بینش مخاطب را با فلسفه زندگانی درگیر سازد تا با نوعی تحول‌آفرینی او را به تعالی فکری برساند.

رمزگان هرمنوتیکی به متن عمق و لایه‌های معنایی مختلف می‌بخشد و آن را از یک متن ساده به یک متن قابل تفسیر تبدیل می‌کند. در ادامه، متن، مخاطب را با نشانه «تقوا» در عبارت «فَاتَّقَى عَبْدٌ رَبَّهُ نَصَحَ نَفْسَهُ وَقَدَّمَ تَوْبَتَهُ وَعَلَبَ شَهْوَتَهُ» (سیدرضی، خطبه ۶۴)، ترجمه: (بنده خدا باید از پروردگار خود بپرهیزد، خود را پند دهد و توبه را پیش فرستد و بر شهوات غلبه کند) مواجه می‌کند. یک از معانی گوناگونی که درباره تقوا وجود دارد، «صیانت» است. «حفظ کردن هر چیزی از تخلف و سرپیچی در صورت و جایگاه عمل» (مصطفوی، ۱۸۳/۱۳). صیانت و درونی‌سازی مکارم اخلاقی به گونه‌ای که ملکه انسان شود از حلقه‌های مفقوده روابط در جوامع انسانی است که در این خطبه مورد تأکید امام علیه السلام واقع شده است. رویکردهای معنایی این واژه به همراه واژگان هم‌نشین آن، این معما را به ذهن مخاطب متبادر می‌کند که نقش تقدیم تقوا، بر توبه و غلبه بر شهوات در رستگاری چیست؟ متن با توصیف بنده‌ای که تقوا پیشه می‌کند، توبه می‌کند و بر شهوات خود غلبه می‌کند به مخاطب یادآوری

می‌کند که کلید رستگاری در تقوا است. در پاسخ به این معما و در ادامه، متن به پاسخ این پرسش مفروض به گونه‌ای دیگر می‌پردازد: «فَإِنْ أَجَلَهُ مَسْتُورٌ عَنْهُ» (سیدرضی، خطبه ۶۴)، ترجمه: (زیرا مرگ او پنهان و پوشیده است) و هشدار نزدیکی مرگ به‌عنوان اتمام فرصت‌ها را می‌دهد. جمله با فعل «غَلَبَ» به پایان می‌رسد. این فعل حس تعلیق را در خواننده ایجاد می‌کند؛ زیرا مشخص نیست که بنده، چگونه باید بر شهوات خود غلبه کند؟! در رمزگان هرمنوتیکی خواننده درمی‌یابد که برای رسیدن به تقوا باید مراحل را طی کند؛ اما جزئیات این مراحل به طور کامل آشکار نمی‌شود. این امر، خواننده را به تأمل و تدبیر در متن ترغیب می‌کند و او را به مشارکت در فرآیند تفسیر متن تشویق می‌کند.

۳-۵. رمزگان کنشی خطبه

رمزگان کنشی یا پروآیرتیکی، نوعی راوی‌گری در متن ایجاد می‌کند و چینه‌های روایی آن مانند یک فیلم با صحنه‌های گوناگون است که مخاطب در ذهن خود به آن می‌رسد. «این رمزگان به بررسی کنش‌ها و رویدادهای متن می‌پردازد و به این سوال پاسخ می‌دهد که در متن چه اتفاقی می‌افتد؟» (بارت، ۱۳۵۶، ۴۲). جنبه شناختی رمزگان پروآیرتیکی از این جهت مهم است که به ما کمک می‌کند تا درک کنیم که خواننده چگونه جنبه روایی متن را تجربه می‌کند و چگونه معنا را از آن می‌سازد. این امر به‌ویژه در مورد متن‌های پیچیده و چندلایه که می‌توان آن‌ها را به روش‌های مختلف تفسیر کرد، حائز اهمیت است. از واکاوی این رمزگان در متن خطبه می‌توان به سه نوع توالی رسید که عبارتند از:

الف- توالی روایت‌ها

در متن خطبه، می‌توان عناصر مختلفی را یافت که به ساختار روایی متن و رمزگان کنشی آن کمک می‌کنند. ساختار روایی متن سه مرحله اصلی دارد که عبارتند از: ۱. متن در آغاز با دعوت خواننده به تقوا («فَاتَّقُوا اللَّهَ» ... (سیدرضی، ۶۴) ترجمه: «از خدا

بیرهیزید...») و انجام اعمال نیک آغاز می‌شود. این امر، حس فوریت و ضرورت را در خواننده ایجاد می‌کند. ۲. در بخش میانه خطبه، متن با شرح عواقب غفلت و گناه («فَيَا لَهَا حَسْرَةً عَلَىٰ كُلِّ ذِي عَقْلَةٍ أَنْ يَكُونَ عُمُرُهُ عَلَيْهِ حُجَّةً» (همان)، ترجمه: وای بر غفلت‌زده ای که عمرش بر ضد او گواهی دهد و روزگار او را به شقاوت و پستی کشاند.) ادامه می‌یابد. گوینده با استفاده از تصاویر و استعاره‌ها، خطر غرق‌شدن در دنیا و فراموش‌کردن آخرت را به تصویر می‌کشد. ۳. در پایان خطبه، متن با عبارتی دعایی («نَسْأَلُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَنْ يَجْعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِمَّنْ لَا تُبْطِرُهُ يَوْمَئِذٍ» (همان)، ترجمه: از خدا می‌خواهیم که ما و شما را برابر نعمت‌ها مغرور نسازد.) به انتها می‌رسد.

با خوانش توالی معنایی در متن خطبه مورد پژوهش، می‌توان گفت: بی‌تقوایی، عاقبتی جز حسرت را به دنبال نخواهد داشت و غفلت و غرور از مهم‌ترین عوامل بی‌تقوایی و بدبختی آدمی محسوب می‌شود.

ب- توالی کنش‌ها

متن خطبه، سرشار از رمزگان کنشی است که از طریق آن‌ها گوینده به مخاطبان خود امر و نهی می‌کند. این کنش‌ها، خواننده را به سمت فعالیت‌های مفید و مؤثر سوق می‌دهد. امام علی علیه السلام در فرازی از خطبه، مخاطب را با استفاده از ویژگی‌های ناپایدار دنیا برای به‌دست آوردن پاداش‌های پایدار آخرت تشویق می‌کند و می‌فرماید: «وَابْتَاعُوا مَا يَبْقَىٰ لَكُمْ بِمَا يَزُولُ عَنْكُمْ» (سیدرضی، خطبه ۶۴)، ترجمه: «با چیزهای فانی‌شدنی دنیا آنچه که جاویدان می‌ماند را خریداری کنید». در این فراز خواننده به کنشی تشویق می‌شود که اثر این کنش، تبدیل دنیای گذرا به سرمایه‌ای همیشگی برای آخرت است. حاصل این کنش، تغییر ماهیت دنیوی به ماهیت معنوی در مخاطب است.

فهم حقیقت دنیا و درک این مفهوم که دنیا محل اقامت همیشگی نیست کنش دیگری است که هشدار و توبیخ را برای مخاطب به‌همراه دارد و در جمله «وَعَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ

لَهُمْ بَدَارٌ» (همانجا)، ترجمه: «و دانستند که دنیا خانه جاویدان نیست» بیان شده است. اثری که مخاطب در مواجهه با این کنش دریافت می‌کند، جایگزینی جهان باقی به جای دنیای فانی است تا خواننده امور و شئون زندگی خود را بر اساس ارزش‌های پایدار بنا کند و از غفلت دنیا و تعلق بیش از حد به آن بیدار شود.

توالی این کنش‌ها با تأکید بر نزدیکی مرگ در عبارت «وَأِنَّ غَايَةَ تَنْقُصِهَا اللَّحْظَةُ وَتَهْدِيهَا السَّاعَةُ» (همانجا)، ترجمه: «زندگی کوتاهی که گذشتن لحظه‌ها از آن می‌کاهد و مرگ آن را نابود می‌کند» ادامه می‌یابد و خواننده با این تأکید به اهمیت فرصت‌های زندگی پی می‌برد و سعی می‌کند از آن‌ها به نحو مطلوب استفاده کند. گوینده با بیان پشیمانی و حسرت به دلیل عدم استفاده صحیح از فرصت‌های زندگی در دنیا، لحنی عاطفی به متن می‌دهد و مخاطب را به تفکر در مورد اعمال خود و استفاده درست از زمان باقیمانده عمرش وامی‌دارد.

در انتهای متن خطبه، توالی این کنش‌ها با عبارت «وَأِنَّ قَادِمًا يَأْتِي بِمُؤْتَمِرٍ أَوْ الشَّقْوَةَ لَمُسْتَحِقٌّ لِأَفْضَلِ الْعُدَّةِ» (همانجا)، ترجمه: «مسافری که سعادت یا شقاوت همراه می‌برد باید بهترین توشه را با خود بردارد» و آمادگی برای حسابرسی اعمال، پایان می‌یابد که در نتیجه این بیان به مخاطب یادآوری می‌کند که نتایج اعمال او به سرعت ظاهر خواهند شد و باید بهترین تدارکات را برای مواجهه با این نتایج فراهم کند.

ج - توالی رویدادها

ترتیب رویدادها در متن به گونه‌ای است که تنش و تعلیق را در خواننده ایجاد می‌کند. توالی رویدادهای متن خطبه بدین صورت است که: در ابتدا، ۱. متن، خواننده را به انجام اعمال نیک دعوت می‌کند («وَبَادِرُوا آجَالَكُمْ بِأَعْمَالِكُمْ» (همانجا)، ترجمه: و با اعمال نیکو به استقبال أجل بروید) و سپس، ۲. عواقب غفلت و گناه برایش شرح داده می‌شود («أَنْ يُكُونَ عُمْرُهُ عَلَيْهِ حُجَّةً وَأَنْ تُؤَدِّيَهُ أَبَامُهُ إِلَى الشَّقْوَةِ» (همانجا) ترجمه: عمرش بر ضد او گواهی دهد و روزگار او را به شقاوت و پستی کشاند). این امر، عامل مؤثری در ایجاد حس خطر و

اضطراب در خواننده است. در نهایت، ۳. متن با دعایی به درگاه خداوند به پایان می‌رسد («وَلَا تَحُلُّ بِهِ بَعْدَ الْمَوْتِ نَدَامَةً وَلَا كَأَبَةِ» (همانجا)، ترجمه: و پس از فرا رسیدن مرگ دچار پشیمانی و اندوه نگرداند.) که امید و آرامش را به خواننده انتقال می‌دهد.

همان‌طور که در موارد یادشده، مشهود است، همه این کنش‌ها مانند زنجیره‌ای از روایت در توالی منطقی با یکدیگر قرار گرفته‌اند و ذهن خواننده را در مواجهه با مسأله دنیا و آخرت به‌نوعی انسجام می‌رسانند. در واقع رمزگان پروآیرتیک در خطبه ۶۴ با سازماندهی کنش‌ها و اثرات آن‌ها، هم‌چون صحنه‌های متوالی یک فیلم، مخاطب را از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل می‌کند و به آگاهی عمیق‌تری از معنای زندگی، مرگ و آمادگی برای آینده‌ای ابدی می‌رساند. هر مرحله از این سفر معنوی، مخاطب را به سمت رشد و تحول هدایت می‌کند و او را برای مواجهه با حقیقت‌های زندگی آماده می‌سازد. رمزگان پروآیرتیکی نقش مهمی در ایجاد معنا و عمق‌بخشی در متن خطبه مورد پژوهش دارد و ابزاری قدرت‌مند برای درک چگونگی ساختار و سازماندهی متن است.

۸- نتایج مقاله

بررسی‌های صورت‌گرفته در واژگان خطبه مورد پژوهش، گویای این مسأله است که: خطبه، ظرفیت رمزگان پنج‌گانه نظریه بارت را در راستای معناسازی و دلالت‌پردازی، داراست. این رمزگان، وجوه چندسویگی و چندگانگی متن را در راستای مجموعه‌ای از نظام‌های معنایی بیان می‌نماید. رمزگان هرمنوتیک یا معمایی خطبه، موضوع مرگ را که آغازگر یک زندگی دیگر است به‌عنوان معنای اصلی متن مطرح می‌کند و در پی پاسخ‌گویی به چراها و معماهای فرعی در این عرصه پیش می‌رود. کارکرد حضور این رمزگان در متن خطبه، اندیشه بوج‌گرایی را به‌طور کامل رد می‌کند و زندگی ابدی را از پس از رهگذر این زندگی دنیوی به مخاطب معرفی می‌کند تا او را به نشاطی پایدار برساند. حاصل بررسی رمزگان پروآیرتیکی یا کنشی متن، نشان از کنش‌آفرینی با وجوه

فعل‌های کنشی و امری در سطح متن است که به‌کارگیری آن‌ها کنش تحریض و تشویق را در مخاطب فعال می‌کند. این کنش‌ها در فرهنگ دینی همان اعمال صالح هستند که با به فعلیت رساندن آن‌ها، فرهنگ عمومی در راستای هنجارهای اخلاقی در زیست‌بوم انسانی تقویت می‌شود. رمزگان ضمنی، نمادین و فرهنگی نیز چون زنجیره‌هایی در پی اهداف این دو رمزگان نقش‌آفرینی می‌کنند. مدلول رمزگان ضمنی که کارکردی برجسته و معناساز در متن خطبه دارد به تقویت نگاه برتر نسبت به حیات بشری می‌پردازد و برنامه‌ریزی جهت رسیدن به بهترین و عالی‌ترین نوع آن را مورد تأکید قرار می‌دهد. رمزگان‌های نمادین نیز با ارائه واحدهای تقابلی به نوعی برجستگی مفاهیم مورد توجه خطبه می‌پردازند. رمزگشایی این رمزگان به نمود تقابل دنیا و آخرت، زندگی و مرگ، غفلت و آگاهی، ایمان و کفر در راستای تعالی زیستی می‌انجامد. عرصه این تقابل‌ها که دو حوزه دنیا و آخرت را با هم تلفیق می‌کند، رسیدن به آخرتی سعادت‌مند را با زیست مؤمنانه میسر می‌داند. رمزگان فرهنگی نیز به‌عنوان رمزگان کلان‌نگر خطبه، فلسفه زندگی را محور کارکرد خود قرار می‌دهد. معنویت‌گرایی از مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی مورد توجه رمزگان فرهنگی در زمان ایراد خطبه می‌باشد.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. آلن، گراهام، رولان بارت، ترجمه پیام یزدانجو، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۲ ش.
۳. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید، تهذیب شرح نهج‌البلاغه، تصحیح عبدالهادی الشریفی، دارالحدیث للطباعة و النشر، ۱۴۲۶ ق.
۴. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان‌العرب، بیروت، دارصادر، ۲۰۱۶ م.
۵. ابن هشام، جمال‌الدین، مغنی اللیبیب عن کتب الأعراب، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۳۹۸ ق.
۶. بارت، رولان، درجه صفر نویسنده‌گی، ترجمه حسن مقدم (۱۳۸۰)، تهران، نشر نی، ۱۹۵۳ م.
۷. همو، عناصر نشانه‌شناسی، ترجمه محمدامین جعفری (۱۳۸۳)، تهران، نشر آگاه، ۱۹۶۴ م.
۸. البحرانی، میثم‌ابن‌علی، شرح نهج‌البلاغه، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۳۷۹ ش.
۹. بین، مایکل، بارت و فوکو و آلتوسر، ترجمه پیام یزدانجو. تهران، چاپ چهارم، مرکز، ۱۳۹۲ ش.
۱۰. جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)، الطبعة الرابعة، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ ق.
۱۱. راغب إصفهانی، ابوالقاسم الحسین، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالمعروف، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. ریسمن، جین؛ گرین، ویلفرد؛ مورگان، لی؛ ویلینگهم، جان، مبانی نقد ادبی، ترجمه فرزانه طاهری، نشر نیلسوفر، ۱۴۰۰ ش.
۱۳. سجودی، فروزان، نشانه‌های کاربرد، نشر علم، ۱۳۸۷ ش.
۱۴. سیدرضی، محمدبن حسین، نهج‌البلاغه به تصحیح صحیحی صالح، قم، دارالهجرة، بی‌تا.
۱۵. شعیری، حمیدرضا، تحلیل نشانه معناشناختی تصویر، چاپ اول، نشر علم، ۱۳۹۳ ش.
۱۶. صباحی بیدگلی، محمد، ساختار و تحول زبان فارسی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۰ ش.
۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۱۸. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول الکافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران، کتاب‌فروشی علمیه اسلامیة، ۱۳۶۹ ش.
۱۹. گرمس، آلژیرداس ژولین، نقصان معنا، ترجمه حمیدرضا شعیری، چاپ اول، انتشارات نشر علم، ۱۳۸۹ ش.
۲۰. گیرو، پی‌یر، نشانه‌شناسی، ترجمه محمد نبوی، چاپ اول، تهران، آگه، ۱۳۸۰ ش.
۲۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران، ۱۳۶۸ ش.
۲۲. مکاریک، ایرناریما، دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، مهران مهاجر و محمد نبوی، نشر آگه، ۱۳۸۵ ش.
۲۳. میرعبادی، سیدعلی، فرهنگ توصیفی نشانه‌شناسی، تهران، معرفت و زبان‌آموز، ۱۳۸۴ ش.
24. Barthes, Roland. Writing Degree Zero. Editions du Seuil. 1953.
25. ----- Mythologies. Paris: Editions du Seuil. 1957 a.
26. ----- Structure and Function of Criticism. In Writing Degree Zero. New York: Hill and Wang, pp. 109-142. 1957 b.
27. Barthes, Roland. S/Z. Paris: Seuil. 1970.
28. ----- The Pleasure of the Text. New York: Hill and Wang. 1973.
29. ----- S/Z. Translated by Richard Miller. New York: Hill and Wang. 1974.
30. ----- Sad. Fourier. Loyola. Paris. 1980.
31. Chandler, Daniel. Semiotics for Beginners. Landon: Routledge. 1995.
32. Danesi, Marcel. Messages, Signs and Meanings. Toronto: Canadian Scholars Press In. 2004.